

جامعہ شناسی شعر عصر مولانا

مؤلف:

امیر رحیمی داد پوری

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
وضعیت فهرست‌نویسی
شابک

رحیمی دادمرزی، امیر، ۱۳۶۴ -
جامعه‌شناسی شعر عصر مولانا/ مولف امیر رحیمی دادمرزی .
تهران: اکباتان، ۱۳۹۶ .
۷۲ ص.
فبها
۹۷۸۶۰۰۶۶۰۸ ۳۷- ۲

موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
رده بندی کنگ
رده بندی دیی
شماره کتابشناسی
ملی

مولوی، جلال‌الدین محمدبن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ق. -- دیدگاه درباره
جامعه‌شناسی
Mowlavi, Jalaloddin Mohammad ibn-e Mohammad, ۱۲۰۷- ۱۲۷۲--:
Views on sociology
مولوی، جلال‌الدین محمدبن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ق. -- نقد و تفسیر
Mowlavi, Jalaloddin Mohammad ibn-e Mohammad, ۱۲۰۷- ۱۲۷۲--:
Criticism and interpretation
شعر فارسی -- قرن ۷ق. -- تاریخ و نقد
Persian poetry -- ۱۳th century -- History and criticism:
PIR۵۲۰۷ / ۳، ۲ج ۱۳۹۶:
۱/۳۱۶۸:
۳۶۶۰۳۰۲.

تألیفات اکباتان

عنوان: جامعه‌شناسی شعر عصر مولانا

مؤلف: امیر رحیمی دادمرزی

چاپ اول: ع. ۱۱

تعداد: ۲۵۰

چاپ: پیام

شابک: ۹۷۸۶۰۰۶۶۰۸ ۳۷- ۲

آدرس: میدان انقلاب - خیابان منیری جاوید - کوچه وحید - پلاک ۱ - طبقه ۴

تلفن: ۶۶۹۶۰۶۰۳-۶۶۴۱۳۷۲۶

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

فهرست

۷.....	حلیات عشق در اشعار مولانا
۱۳.....	خود بیگانگی
۲۳.....	صلح انسان رستی
۴۵.....	مولانا
۴۸.....	شمس تبریزی
۴۹.....	روزگار مولانا
۶۹.....	پیشنهادهای

شعر فارسی در ادوار مختلف ویژگی‌های گوناگونی دارد که می‌تواند از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. شاعران هر دوره بنا بر اقتضای زمانه به مطالب گوناگونی پرداخته‌اند و بسیاری از مسائل و اتفاقات پیرامون خود را در آثارشان انعکاس داده‌اند. یکی از این ادوار مهم تاریخ ادب فارسی قرن هفتم هجری است که با حمله وحشیانه مغول مصادف بوده و باعث ایجاد هرج و مرج و ناامنی در سراسر ایران شده است. اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور ایران در این دوره، شاعران را بر آن داشته است که در آثار خود به این مسائل بپردازند. جامعه ایران در سده‌های هفتم و هشتم و در پی یورش مغولان، فرمانروایی اعقاب آنان بر این سرزمین دچار تغییر و تحولات اساسی شد. بازتاب این تحولات را می‌توان در خلال بسیاری از متون نظم و نثر آن روزگار بررسی کرد. از جمله بهترین منابع و اسناد مطالعه در احوال اجتماع آن روزگار آثار به جا مانده از حضرت مولانا است که در این آثار، تصویری روشن از اجتماع عصر خویش ترسیم کرده است. با مطالعه دقیق آثار وی می‌توان به بسیاری از مسائل اساسی اجتماع از قبیل؛ طبقات اجتماعی، روابط اجتماعی، شیوه اداره جامعه، شیوه زندگی مردم و نظایر آن پی برد.

معارف و آموزه‌های عرفانی مولانا چنان وسیع است که غالباً او را به واسطه همین دانش‌های عرفانی عالی و روح بزرگ و دل عاشق پنداش می‌شناسیم. در حالی که یکی از تمایزات شخصیتی او جامعه‌گرایی، دین‌دوستی و احساس مسئولیت او در قبال مسائل سیاسی و اجتماعی است. حتی عزلت‌های شمس که مبتنی بر طبیعت تغزلی و غنایی است و احوال و تجارت عاشقانه مولانا در آن تجلی یافته است؛ نیز از اشارات اجتماعات و موضع‌گیری‌های

سیاسی خالی نیست. آثار مکتوب وی از جمله فیه مافیه و مکتوبات از این جهت اهمیت بیشتری دارد؛ ولی مثنوی معنوی به خاطر دو وجهی بودنش مأخذ مهمی برای شناخت و ترسیم سیمای اندیشه های اجتماعی و سیاسی مولانا است. در دنیای پر از راز و رمز مثنوی و در کنار آن همه شگفتی های ادبی و هنری و عرفانی که این اثر را در ردیف بزرگترین شاهکارهای جهان قرار می دهد، نگرش های انسانی به مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه به صورت مبسوط بیان شده است. اگر چه ممکن است این اعتراض ها و انتقادات به سردمداران و متولیان امور مملکت به خاطر احساس ظریف و شاعرانه مولوی بیشتر منشأ عاطفی و احساسی داشته باشد تا تعلق به مکتبی خاص، ولی هرچه که هست تأثیر این عتاب و خطاب ها که بر بدیاری از امثال و حکم و مواعض فارسی نیست.

مولانا هرچند پیشتر اوقاتش را در تجربه های روحانی و شور و شیدایی سپری کرده است و احوال درونی اش را به صورت سماع و غزل متجلی کرده است ولی از مسائل اجتماعی و ارزش طبقات مختلف مردم در تعاملات اجتماعی غافل نبوده است. مثلاً در کتاب فیه مافیه خطر همنشینی با پادشاهان را نه در آسیبی که ممکن است به جسم برساند، بلکه در زیانی که برای دین و آزادی افراد دارد، اینگونه بیان می دارد: (پادشاهان نشستن خطر نیست که سر برود، که سری است رفتنی، چه امروز چه فردا، اما از اینرو خطر است که ایشان چون درآیند و نفس های ایشان قوت گرفته است و ازدها شده این کس که به ایشان صحبت کرد و دعوی دوستی کرد و مال ایشان قبول کرد، لابد باشد که بر وفق ایشان سخن گوید و رأی های بد ایشان را از روی دل نگاه داشتی قبول کند و نتواند مخالف آن گفتن، از اینرو خطر است زیرا

دین را زیان دارد، چون طرف ایشان مأمور دارای طرف دیگر که اصل است از تو بیگانه شود، چون آنسو رفتی عاقبت او را بر تو مسلط کند....).

➤ تجلیات عشق در اشعار مولانا

پرسید یکی که عاشقی چیست؟

گفتم که : می‌رس از این معانی

آنگه که چو من سری بینی

آنکه که بخواندت به خوانی (د/۲۷۳۳)

چه طور می‌توان عشق را بیان کرد؟ عقل در بیان آن عاجز است، و قلم به توصیف آن رسد در هم شکسته می‌شود. این است گفته‌ی مولانا در آغاز مثنوی، در صفحه‌ی آغازین کتاب آنجا که حسام الدین جوان از رابطه‌ی شاعر با شمس، شمس‌ی که «شمس آمان چهارم، در قیاس با او تنها ذره‌ی بی است»، می‌پرسد. مولانا می‌داند که هرگز نمی‌تواند توصیف درستی از آن به دست بدهد، با این همه تمام کتاب مثنوی او که شمس است برای توضیح و تبیین این عشقی که او را از زندگی متعارف خود برید و به عالمی مبدل کرد که سخنانش فقط تفسیر به پایان نرسیدنی این سر الهی است.

یکی از غزل‌های بزرگ دیوان که به مولانا در آن می‌کوشید کشف

کند عشق چیست، این‌گونه آغاز می‌شود: